



و جلد دوم در بردارنده نمایه‌های چندگانه کتاب و تعلیقات مفصل اشعار عربی. این چاپ بسیار دقیق است، اما حروف انتخاب شده برای آن بیش از حد لزوم درشت است. مصححان برای اشعار و عبارات عربی از استادان زبان و ادبیات عرب و فارسی مشورت گرفته‌اند که نام برخی از آنان در مقدمه آمده است.

مصححان او راق جابه‌جاشده را به جای خود برگردانده‌اند، اما متوجه افتادگی میان صفحه ۳۵۸ و ۳۵۹ نشده‌اند. آنچه به عنوان صفحه ۳۵۹ چاپ شده تکرار صفحه ۳۵۸ است. نگارنده در همان سال چاپ عکسی کتاب که به لطف محمدحسین تسیب‌چی نسخه‌ای از آن را دریافت کرد، تمام متن را به خواندن گرفت و متوجه این نقص شد؛ پس از دکتر تسیب‌چی خواهش کرد که عکس صفحه افتاده را برای او بفرستد. در اینجا عکس این صفحه (صفحه ۳۵۹) را به همراه بازنویسی حروفی آن تقدیم خوانندگان می‌کند. این صفحه باید در پایان کلمه «قینو» در صفحه ۵۴۵ قرار بگیرد. یادآوری می‌شود که نگارنده در استنساخ متن دقیقاً از حرکت‌گذاری نسخه پیروی کرده است، جز آنکه آنج و آنک به آنچه و آنکه بدل شده و در نوشتن گ و پ از رسم الخط قدیم (یعنی ک و ب) پیروی نشده است. «به» حروف اضافه نیز جدا از کلمه بعد نوشته شده است.



... بلغة اهل المدينة والجمع منهما اقناً وقینان وقینان.

۱. اصل: بلغه؛ در سایر موارد نیز غالباً نقطه‌های روی «ه» را نگذاشته است که ما اصلاح کردیم.

یک صفحه افتاده از متن عکسی و چاپی تکمیل اصناف

علی اشرف صادقی

از تکمیل اصناف علی بن محمد کریمینی، ادیب و لغوی قرن ششم هجری، اهل کریمینیه در بخارا، یک نسخه منحصر به فرد در کتابخانه گنج‌بخش در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام‌آباد پاکستان موجود است. این نسخه ظاهراً در قرن ششم کتابت شده و مضبوط و بسیار کم‌غلط است. بعضی او راق نسخه جابه‌جا شده و در بعضی جاها افتادگی دارد. این نسخه در سال ۱۳۶۳ ش/ ۱۴۰۵ ق از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به صورت عکسی به چاپ رسید.

علی رواقی و سیده زلیخا عظیمی در سال ۱۳۸۵ از روی این نسخه یک چاپ حروفی به دست دادند که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آن را به چاپ رساند. این چاپ شامل دو جلد است: جلد اول متن کتاب است همراه با تعلیقات

- القَنْوُ تَبْرَدِستَه و کَنَدِستَه و اَنچَه به وی ماند.
- القَيْوُ داروي که قِي آرَد.
- القَابِلَةُ مام ناف، و يقال حَذِ الامْرَبَقَوَالِه: کار از سَرگير، و يقال ما اصابَتْنا العَامَ قَابَةٌ اى قَطْرَةٌ.^۲
- القابوِعة اَشنان دان.
- القاعة والقاحَةُ ميانِ سَراي.
- القارِعة روز قيامت يعنى کوبنده و کارِ بزرگ و ميانِ سَراي و ميانِ راه.
- القاروْرَة شيشه.
- القارِيَة مهي کيرک سبز^۳ و سَر نيزه و تيزي شمشير.
- القاذوْرَة بَدخو و رشکن.
- القانِصَة سنگدانِ مرغ.
- القارَة تل خُرد و کوه خُرد و خرس ماده.
- القاشرة اَن شَجَه که پوست بَرَد^۴، و المرأة الَّتِي تَقشِر وجهها بالدوا لِيَصْفُو لَوْنُها، والقاشوْرَة من الرجال الوَقاعَة، والسنة الشديدة تقشِر كُل شَيْء.
- القاعدة كدواده و پاخسه زيرين.
- قاصِمَة الظهر الداھية.
- [القاصِيَة الشاذَة من الغنم ومن الناس، ومن المواضع ما تَنحَى والقاصِيَة الناحية].^۵
- القاضيَة المَيِّتَة.
- القارُوْرَة والقافُوْرَة پيالہ و کوزابري.
- القافِلَة معروفة.

القبيعة فرازيان^۸ شمشير وقبيعة^۹ الخنزير وقبيعة^{۱۰} نخرة اَنفِه.

۱. اصل: او؛ که می تواند کلمه عربی به معنی «یا» باشد، اما کاتب الف «او» را خط زده است.

۲. مدخل «قَابَة» و معنی آن (که باید پس از «از سَرگير» بوده باشد) از قلم کاتب افتاده است.

۳. قاریه: پرندۀ ای است با پاهای کوتاه و نوک بلند که پشت آن به رنگ سبز است (مذهب الاسماء آن را به سار سبز یا سیاه معنی کرده است). شاید جزء اول کلمه مخفف ماهی و جزء دوم «گيرک» باشد.

۴. آن سرشکستگی که پوست سر برد (تاج الاسامی)، شجّه به معنی جراحت است.

۵. این بند به خط کاتب متن در حاشیه آمده است.

۶. القالة: گفتار (تاج الاسامی).

۷. اصل: جندانک که.

۸. در تاج الاسامی: فرازيان، و در دو نسخه آن: فرازيان. درباره این کلمه رک. علی اشرف صادقی، «تحقیق در کتاب المصاير ابو بکر بستی»، ضمیمه شماره

۲۳ آینه میراث، ۱۳۹۱، ص ۳۹ - ۴۰.

۹. در لسان العرب: قبيعة.

الْقُبْطْرِيَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الثِّيَابِ بَيِّضٌ.

الْقَبْلَةُ الْفَلَكَ الْبَيْضَاءُ وَرَبَّمَا عُلِّقَتْ عَلَى الدَّابَّةِ.

الْقَبِيلَةُ قَبِيلُهُ، يَعْنِي گروهِی مردم از یک پدر و پاره کاسه سر.

وَالْقَبْضَةُ سُدْسُ الذِّرَاعِ عِنْدَ الْمَسَّاحِ.

الْقُتْرَةُ كَاذِبٌ صَيَّادٌ.

إِبْنُ قَيْتَرَةَ مَارِيٌّ اسْتَحْرَدَ.

الْقَتْرَةُ غَرْدٌ.

الْقَتْرَةُ بَيْكَانٌ تَبْرٌ نَشَانَهُ.

الْقَحْبَةُ رُوسِيٌّ.

الْقَحْدَةُ بَنُ كُوَهَانَ.

السَّنَةُ الْقَحْطَةُ سَالٌ تَنْگِيٌّ.

الْقَحْمَةُ السَّنَةُ الشَّدِيدَةُ وَالْمَهْلَكَةُ.

۱. در فرهنگ‌ها قاف این کلمه مکسور است.

الْقُدْحَةُ پاره خوردی.

الْقَدَّاحَةُ چخماخ آهنین.

الْقَدَّةُ گروه جدا از گروه دیگر و قیل گروه نه هم‌دل و پاره دوال.

الْقُدْرَةُ توانایی.

الْقِدْوَةُ پیش‌رو.

الْقَدَاةُ طَيْبٌ رِيحٌ الشِّوَاءِ.

الْقِيْحَةُ شوخ‌رویی و سختی سُمُّ.

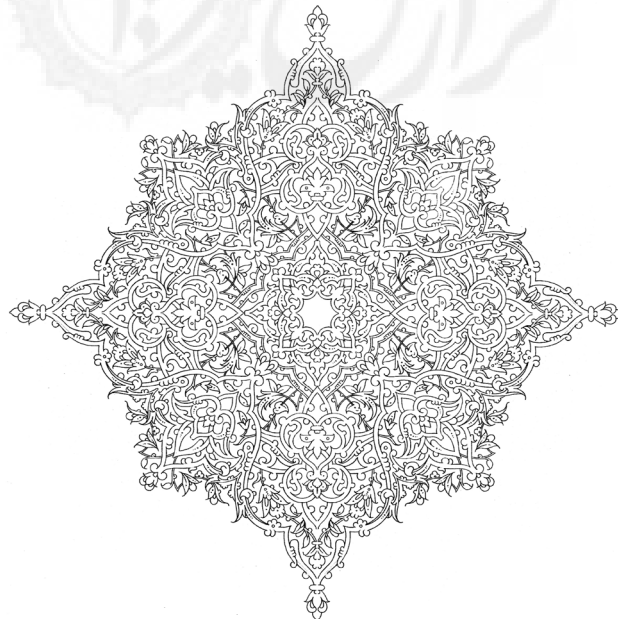
الْقَدَّافَةُ فَلَاحِنٌ.

الْقُدَّةُ پَرَّ تَبْرٌ وَ كَيْكٌ.

الْقُدْفَةُ تَنْدِيٌّ سَرَّ كُوَهُ وَ هَرَّ چِيزِيٌّ.

الْقَدِيْفَةُ الْمَقْدُوفَةُ.

الْقَدِيْمَةُ قِطْعَةٌ مِنْ مَالٍ يُعْطِيهَا.



بلغه اهل المدينة والجمع منهما اقنأ وقنآن وقنوان القنوت تبر دسته وكتب
 دسته اداخ بويه مانده القيو ج اروي كه تي ارجه الفايله مام ناف ونقال
 خذ الامو بقوابله كاراز سبر كير ونقال ما اجابنقنا العام قابنه اء قبطوة الفايبر
 اسنان دان القاعه والفاجة ميان سواء الفايبره روز قيامت يعني كويته
 وكار سرك و ميان سواي و ميان باء الفايبره شيشه الفايبره مهي كيرك سبز ۵
 و سبر نيزه و نيزه شمشير الفا ذوبه بد خو و بر سكر الفايبره سنك دان موع القارة
 تل خرد و كوه خرد و جوس مابه الفاشره ان شجه كه بوست بزد والمراه التي تقشر
 بالذوا ليصفقو كونهما والقاشورة من الوجال الوفاة والسنة السدوه تقشير كل
 شئ الفاعده كد واره و باخيسه زير من قاجمة الظهر الباهية القاضية المينة
 القارورة والفاقوره بياله وكوزايوب الفايله معروفه قاطبة اء جيعا الفالفة كفت ۱۰
 بد القامة والقمة والقومية بالاء الغامة البكرة الفانفة كاروانخانه
 شعة فالبة لى بر رفته امراه قاصيرة الطوف ذى كه جز بشوى خوشتره نكرد القاببة
 البيضة وقيل قشير البيضة اذا خرج منها الغرغ القافية بر كوردن قافيت
 الفايلة القياولة الغامه بايه و دسته شمشير العين الفايمة ان ذهب بمرها
 والجدقة محج القباله قبالة و سرفارء القيوية والقيرة جكاوك القيصه القيصه ۱۵
 جندانك به سبر انكشان فرا كيرند القبة جندانك كه بلف كيرند القبة طابور
 ابق مثل العوضه مكر عند حجة الجره ان القبلة بوسه القبلة قبله وما كان
 قبالتك فهو قبلة رجل قبضة كه كار بكيرو و بكيارد القبة باغنده القبة قبة
 القبيعة باربان شمشير وقبيعة الخنزير وقبيعة خيرة انفة القبطرية صرب
 ان الثياب بيض القجلة الفلكة البيضا و ربما علق على البداة القبلة قبله ۲۰
 يعني كيوهى مردم از يك بدر و باره ر كاسه سبر والقبضة سدس الذراع عند المساج
 القبة كازه ر صباد ابن قبة مارب است خرد القبة كورد القبة بيبان سبر
 نشانه القبة رويش القبة بن كوهان السنة القطة سال تلى القبة
 السنة الشديدة والمهلكة القبة باره ر خرد القبة حجاج اهنر القبة
 كوه جدار كوه ديكر وقيل كوه نه هر دل و باره ر دوال القبة توانايى القبة بيش ۲۵
 دوه القبة طيب البرخ السنوا القبة شوخ روي و حتى سيم القبة فالح القبة
 بت تير و ليك القبة ندى سبكوه و هرجيون القبة القبة القبة
 قبة من القبة

و القامة و القامة
 و القامة و القامة
 و القامة و القامة

جستار
 يك صفحه افتاده از متن عكسى و جاى تكملة الاصناف
 على اشرف صادقى